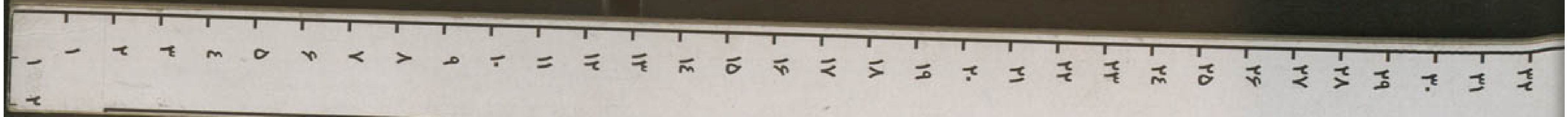


سوره آل عمران

ان الله يبشرك بيحيى مصدقا	خدای تعالی ترا فرزند نرینه میدهد
ما يملكون من قطمير ان تدعوهم	در این وقت ولایت پادشاهی شود
فاواری سوات اخی	این بنده را زود بغرو شد
والخيل والبغال والحمير	این سفر بخیر که مبارک است
ومساكن طيبة في جنات عدن	این ضیاع بخیر که فروخته شود
نحن نرزقك والعاقبة للتقوى	عاقبت این کار نیکو باشد
فابعثوا حكما من اهله	این خصومت بعاقبت نیک شود
والعافين عن الناس	این وامرا بمراد باز دهد
امن اسس بنيانه	این بنا برآید و مبارک باشد
واحدة وما ملكت ايمانهم	این بنده فرمان بردار نیک بود
اياما معدودات	بیمار روزی چند رنج کشیده شود
انبتت سبع سنابل	نعمت فراخ و نرخ ارزان شود
يا ايها العزيز مسنا	از عمل سلطان نیکی ببیار بیند
قد احسن بي اذ اخرجني	این زندان زود خلاص شود
الذي يخرج الخبء	این گم شده آشکار شود

ابراهیم

اجتثت من فوق الارض	این غایب زود باز میگردد





انا ناتی الارض ننقصها	این سفر دور بود اما زود باز میگردد
یحبونهم کحب الله	این دوستی از هر دو جانب بود
فی ملتهم ولن تفلحوا ابدا	درین سخن دیو جانه دعا باید
کبرت کلمة تخرج من افواههم	این خبر اراجیف و دروغ است
اجتنبوا کثیرا من ظن	ایزد تعالی ترا نصرت دهد
الا ان حزب الله	آن امید حاجات زود برآید
ان فی هذا البلد غالقوم	این علم زود بیاموزد
رب اشرح لی صدری	وفادار و مهربان باشد البته
صحف ابراهیم و موسی	ازین تهمت بی گناه است
فلما قضی زید منها	این زن دوست و مهربان باشد
قالت انی یکون لی غلام	فرزند یگانه و نرینه و پارسا بود
وجعلنا لکم علیکم	ایزد تعالی ترا ملک و پادشاهی دهد
یالیت بینی و بینک	این بنده بدست میباید فروخت
وعلی کل ضامر یاتین	این ستور بد رنگ و ناهموار بود

انعام

ویعلم ما فی البر والبحر	اندرین علم هنر دانا گردد
واوفوا بعهدی اوف بعهدکم	هر دو تن وفا کنند و خلاف کنند
فانکحوا ما طاب لکم من النساء	این زن بکنند و دیگری کرده شود
فبشرناها باسحق ومن وراء	این فرزند خدا به بهه و کسی باشد
ولا یملکون الشفاعة الا	درین وقت ولایت و پادشاهی بنود
واحل الله البیع وحرم الربا	اگر این بنده بفروشد به باشد
والانعام خلقها لکم فیها	این ستور بجز که نیک باشد
والزروع والنخیل	ازین ضیاع شادی بسیار بینند
امرنا لیلا او نهارا	عاقبت این کار بدست حذر به
فبهت الذی کفر	خصومت نباید کرد که بهتر بود
واحسن کما احسن الله الیک	این وام بنیکوی باز داده شود
فوجدوا فیها جدارا	این بنا مبارک و خوش آید
ولا تبدلوا الخبیث بالطیبة	خریدن این بنده نیکو است
لیس علی الضعفاء ولا	این بیمار را صدقه باید داد
وفاکهة کثیرة لا مقطوعة	امسال زاهر کونه نعمت ارزان بود
ظهر الفساد فی البر والبحر	این ستور نیک است باید خرید
وبدلناهم بجنتیهم جنتین	این ضیاع اگر فروخته شود بهتر
وکان عاقبة امرها خسرا	عاقبت این کار زیان است حذر به
یوم تجد کل نفس	اندرین خصومت ترا یاری کنند
ان تقرض الله قرضا حسنا	این وام بیدرد سر باز دهد
امن اسس بنیانه علی	این بنا تمام شود و درو کار خیر کنند

روم

اولئک الذین اشتروا — این بنده نخر و دیگری طلب کند
وکان امر الله قدرا — این بیمار در خطر است صدقه باید داد
واسبغ علیکم نعمة — نعمة فراخ و نرخ ارزان گردد
ان الله یأمر بالعدل — از کار سلطان نیکوی بیند
استخلصه لنفسی — این زندانی زود خلاص شود
لا تخافوا ولا تحزنوا — اندوه مخور کم شده بیابی
واخری تحبونها نصر من الله — نزدیک است که ایزد تعالی کار تو گشاید
ووجدک عائلا فاغنی — حق تعالی توانگری دهد
وبارک فیها وقدر فیها — اندرین انباری کردن برکة پیدا شود

سبحان

ثم رددنا لکم الکرة — دلیل توانگری و مال بسیار بود
وقال الذین اشرکوا لو شاء الله — درین انباری سود کند اگر راست باشد
والله فضل بعضکم علی بعض — درین اندوهی نیست شکر کن نفع باشد
فکث غیر بعید — این غایب وقت آمدن نزدیک است
قال فانها محرمة — درین سفر دیر بماند آخر باز آید
بینکم فی الحیوة الدنیا — این دوستی میان هر دو دیر بماند
یضاعف له العذاب — ازین سختی غم بیرون شود
بل هو کذاب اشر — این خبر البته دروغ است

ولا یشرک بعبادة ربه احدا — درین بازرگانی سود بسیار بیند
ارجعوا الی ابیکم — این غایب زود بخانه باز آید
الم تکن ارض الله واسعة — این سفر کردن مبارک است
قد بدت البغضاء — این دوستی بزبانست بدل نیست
فاستجبنا له ونجیناه — ازین غم و سختی زود فرج یابد
والمرجفون فی المدینة — این خبر دروغ استوار مدان
الیک مبرؤن مما — ازین تهمت البته بی گناه است
وکان حقا علینا نصر — خدای تعالی ترا نصرت دهد
یقولون انا لمردودون — این امید و حاجت بر نیاید
فانها لا تعمی الابصار — در آموختن علم کند فهم بود
فیما نقضهم میثاقهم — وفا بکند و سوگند نشکند
من خلق لکم من انفسکم — این زن گرفتن خوش و نیک بود

لقمان

ومن الناس من یشتری — این بنده فروختن صواب است
ومن اصوافها واوبارها — این ستور باید ابتیاع نمود و خرید
جنات عدن التی — این ضیاع خوش و خرم باشد
والباقیات الصالحات — عاقبت این کار نیکو باشد
واقض ما انت قاض — این خصومت بصلح راست آید

ما اغنی عنی مالیه	این وام بدشواری باز دهد
صفا کانهم بنیان	این بنا محکم و پایدار باشد
عبداً مملوکاً لا یقدر	این بنده موافق آید باید خرید
وان یمسسک الله بضر	این بیمار بدعا و صدقه نیک شود
کلوا واشربوا من رزق الله	نعمت ازان شود بی شک
خذوه فغلوه ثم الجحیم	از کار سلطان زیان چند حذر باید
فالقوه علی وجه ابی	این زندانی زود راحت یابد
جنات عدن مفتحة	گم شده بتمام بیابد ان شاء الله
یا بنی اذهبوا فتحسسوا	کارهای دینی و دنیوی کشاده شود
ایحسبون انما نمدهم به	توانگری و مال بسیار یابد

مائدة

یا ایها الذین آمنوا اوفوا	این عهد وفای بجای آورند اگر دوستی
ان من ازواجکم واولادکم	زنی دیگر جوی که تا این سازگار بود
ربی انی وضعتها انثی	فرزند نرینه و پارسا و نیکو بود
لیستخلفنهم فی الارض	پادشاهی و ولایت و بزرگی بود
فاسعوا الی ذکر الله	این بنده را باید بعزورند و دیگری بخرد
سبحان الذی سخر لنا	این ستور بخر که مبارک است
فی جنة عالیة قطوفها دانیة	این ضیاع شادی بلوی رسد

وکان عاقبتهما انهما	عاقبت این کار پشیمان گردد
بمثل هذا فلیعمل العاملون	این خصومت با خصم برابر بود
ومن یوق شح نفسه فاولئک	این وام بستاند و زود باز دهد
لا یزال بنیانهم الذی بنوا	این بنا نیکو بود و همسایه هم
فوجدا عبداً من عبادنا	این بنده بخر که مبارک است
الذین یذکرون الله قیاماً	این بیمار بدعا و صدقه نیک شود
عام فیه یغاث الناس	و این سال نرخ میانه باشد و شود
ولا ترکنوا الی الذین ظلموا	ازین عمل سلطان ستم زده گردد

مؤمنون

نسقیکم مما فی بطونها	این بیمار از شکم زحمت دارد گل مهر خورد
یرید الله بکم الیسر	دلیل آنست که زحمتها ازان گردد
ان الملوک اذا دخلوا	از شغل سلطان رنج چند حذر باید
لا تخف نجوت من القوم الظالمین	این زندانی زود خلاص یابد
فضلوا فلا یستطیعون	این گم شده پوشیده و دشوار یابی
حتی اذا جاؤها	همه کارها کشاده گردد ان شاء الله
وآتیناه من الکنوز	مال نعمت بی رنج بدست آید
ویوم یقول نادوا	انده این بازرگانی سود بسیار بیند
وان تک حسنة یضاعفها	این غایب با مال بسیار آید

تلقون الیهم بالمودة	این سفر کرده شود و بمراد باز آید
فاسلکی سبل ربك	میان این دو تن دوستی محکم بود
وقذف فی قلوبهم الرعب	هنوز رنج باقیست دعا باید کرد
ما هذا الا افك مفتری	این خبر همه دروغ و بهتان است
فماذا بعد الحق	این تهمت برو درست نیاید

مریم

ووهبنا لهم من رحمتنا	این گم شده و دزدیده بیاید
ان تستفتحوا فقد جاءکم الفتح	از امروز کارها بر تو گشاده گردد
وتحبون المال حبا جما	دلیل است که مال بسیار بدست آید
لو کان فیهما آلهة الا الله	این انبازی نباید کرد
والعصر ان الانسان	این بازرگانی سراسر زیان است
انهم یرونه بعیدا ونراه قریبا	این غایب دور است زود نخواهد آمد
الم تر الی الذین خرجوا	درین وقت اگر سفر نکند بهتر
اجزعنا ام صبرنا ما لنا	این دوستی حقیقی دارد نیکیست
وانه لحب الخیر لشدید	اندرین غم دیر بماند دعا باید کرد
ویحق الحق بکلماته	این خبر البته درست و راست باشد
انتم بریئون مما اعمل	این تهمت بر وی دروغ است بیشک
وینصرکم الله نصرا عزیزا	درین حرب برابر دشمن ظفر یابد

لا بشری یومئذ للمجرمین	درین وقت امید بر نیاید
ویعلمك من تاویل الاحادیث	علم و حکمت و تعبیر بیاموزد
ولقد عهدنا الی آدم	عهد بجای آورد و خلاف نکند

نحل

این شرکائی الذین	درین انبازی سود بسیار کند
فما ربحت تجارتهم	اگر درین بازرگانی زیانست [illegible] سود کند
توصیة ولا الی اهلهم	این غایب از ولایت باز آید
فانتشروا فی الارض	درین سفر کردن مراد حاصل آید
فسوف یاتی الله بقوم	با این کس دوستی کن از دل
فلهم اجرهم عند ربهم	ازین غم اندوه فرج یابد
فورب السماء والارض	این خبر درست و راست است
ان قالوا یسرق فقد سرق	این تهمت درست باشد البته
انا لننصر رسلنا	ازین حرب حذر باید کرد
فینقلبوا خائبین	این حاجت درین وقت بر نیاید
لیتفقهوا فی الدین	از علم و حکمت بهره‌مند شود
الذین یوفون بعهد الله	این کس وفا کند و خلاف نکند
لا جناح علیکم	این زن پارسا و آهسته بود
ویمددکم باموال وبنین	فرزند نرینه و مادینه آید

والله يؤتي ملكه من يشاء	پادشاه خواهی نیت نیکو کن

نساء

وخلق منها زوجها	این زن کرده شود و مبارک باشد
قالت انی یکون لی غلام	فرزند پارسا و زینه در پیری آید
وجعلكم ملوكا وآتاكم	پادشاهی و ولایت بزنه کی بود
وشروه بثمن بخس	اگر شتاب کنی این اینه ارزان فروشی
الذی جعل لكم الانعام	این ستور بایه حزینه کو نیک بود
ومن الثمرات والنخيل	ازین ضیاع نیکوی بسیار بینه
وانی لقوی امین	عاقبت این خصومت خیر بود
کمثل ریح فیها صر اصابت	این دام بباید ستدن تا دانی
اقبل ولا تخف	عاقبت این کار بمراد باشد
ومساكنكم تسكنون	این بنا محکم و خوب آید
نسائهن او ما ملكت	این بنه مبارک پا بود
ليبلوكم ايكم احسن عملا	این بیمار به شود نیکی کنه
يستبشرون بنعمة من الله	شادی و خوشدلی و نرخ ارزان شود
لن يضروكم الا اذى	ازین شغل سلطان رنج بینه
قل من ينجيكم من ظلمات البر والبحر	ازین زندان زود فرج یابه

نمل

نحن اولو قوة واولو بأس	درین خصومت دست قوی گردد تو
یاکلون الربا اضعافا	این دام دادن وستدن نیکیت
امن اسس بنیانه علی	این بنا اگر تمام شود مرغ زار شود
ومن الثمرات والنخيل	این بنه حزینه نشود و دیگری خرد
ولا تشتروا باياتي	این بیمار از دعا و صدقه صحت یابه
ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق	نعمت فراخ و نرخ ارزان گردد
وکاین من قرية	از کار سلطان محنت زده شود
فانجيناه واهله	این زندانی زود خلاص شود
كرماد اشتدت به الريح	این گم شده باز نیایه
قل كونوا حجارة	این کارها هنوز بسته است صبر به
واما اذا ما ابتلاه	مال و نوا اگر اندکست بسیار شود
وعسى ان تكرهوا شيئا	ازین ابار نترس که خیر است
ولا جرم انهم في الاخرة	ازین بازرگانی حذر کن که زیانست
ان الذی فرض علیك	این غایب زود مبخانه باز آیه
يوم يخرجون سراعا	این سفر کرده شود و زود باز آیه

سفر

لیستأذنکم الذین	این بنده حزینه و نیک آید
یاکل مما تاکلون	این بیمار بغذای موافق به شود

فیقا جرجا کانما   تنگی و گرانی نرخها بود
عسی ربکم ان یاتی   در شغل سلطان شتاب مکنند
خالدین فیها مادامت   این زندانی دیر ماند ابدا
بضاعتنا ردت الینا   این کم شده تمام باز بینه
ما یفتح الله للناس   ایزد تعالی کار بسته بگشاید
ونقص من الاموال   درین وقت نقصان مال بود
واعبدوا الله ولا تشرکوا   این انبازی مکن که نیک نیست
هل ادلکم علی تجارة   درین بازرگانی سود بسیار کند
فما استطاعوا مضیا   این غایب درین وقت نیاید
فقل لن تخرجوا معی   این سفر کرده شود و صلاح درین بود
سیجعل لهم الرحمن ودا   این دوستی هر دو تن را نیک بود
ولو تری اذ فزعوا   ازین سختی زود خلاص یابد
ولکن تصدیق الذی   این خبر راست است بی شک

هود

ولقد جاء امرنا نجینا   ازین غم و سختی زود خلاص یابد
الم ذلک الکتاب   این خبر درست و تحقیق است
یظنون بالله ظن السوء   این تهمت دروغ است حذر به
انهم لهم المنصورون   ظفر و نصرت ترا باشد

والسارق والسارقة   این تهمت بروی راست گردد
یوم تولون مدبرین   درین حرب شتاب مکنند حذر به
قد اصبتم مثلیها   این امید و حاجت اندکی برآید
الرحمن علم القرآن   علم تفسیر و آیات حدیث آموزد
والذین ینقضون المیثاق   این وفا بکند و عهد شکند
نساؤکم حرث لکم   این زن کرده شود و سازکار بود
انا رسول ربک لاهب لک   ایزد تعالی ترا فرزند پارسا دهد

شعراء

وانذر عشیرتک الاقربین   هم پیشه که دام باز نهد
رفیع الدرجات ذو العرش   این بنا کرده شود و بلند و خوش آید
الا علی ازواجهم او ما   اگر این بنده مادینه باشد بخورد
وننزل من القرآن   این بیمار را تعویذ باید نوشت که به شود
اولئک لهم رزق معلوم   نعمت فراخ و نرخ ارزان گردد
یهدون بالحق وبه یعدلون   از عمل سلطان نیکی بینه
من اراد باهلک سوءا   زندانی دیر ماند انگاه بیرون آید
واداء الیه باحسان   این کم شده باز آید بزودی
ولو انهم آمنوا واتقوا   کارها بر تو گشاده گردد
ربی انی اخذت الی   ایزد تعالی ترا مال بسیار دهد

عسی ربنا ان یبدلنا — این انبازی هر دو را نیک باشد
وبارکنا علیه وعلی — درین بازرگانی سود بسیار بینید
ومامن غائبة فی السماء — این غایب از در درآید بمراد
یوم یسمعون الصیحة — ازین سفر نیکوی بسیار بینید
واتخذ الله ابراهیم خلیلا — این دوستی هر دو از دل بود

طه

فلنولینك بالحق قبل — این زندانی زود فرج یابد
ففتحنا ابواب السماء — این کم شده را باز بیابد
یحسبهم الجاهل اغنیاء — کارهای بسته بر تو گشاده شود
سواء منکم من اسر القول — نعمت وتن آسانی ومال یابد
وان لک لاجرا غیر ممنون — این انبازی کرده شود وآید نیک
ونجنی من فرعون وعمله — درین بازرگانی سود بسیار بینید
اولئک عنها مبعدون — این غایب دیر آید اما سلامت بود
ولا تمش فی الارض مرحا — این سفر بمراد کرده شود
فالف بین قلوبهم — میان هر دو خصم دوستی افتد
ویحق الحق بکلماته — این خبر راست هست روشن باشد
فریقا تقتلون وتاسرون — این تهمت بودی ودرست گردد
ولکم فیها ما تشتهی — دشمنان به اندیشه شوند

[illegible]

وعلمتم مالم تعلموا انتم — این امید حاجت بهدیه تمام شود
مالهم به من علم — درین اعلم امام وبزرگ شود

انفال

منکم عشرون صابرون — بر دشمن ظفر زود بود اگر دو سنگ باشد
اجیب دعوة الداع اذا دعان — دعا باید کرد که اجابت شود
وعلم آدم الاسماء کلها — از هر گونه علم بیاموزد
والذین هم لاماناتهم — وفا بجای آورد وخلاف نکند
ولا تنکحوا ما نکح اباؤکم — اندرین تزویج سستی میباید
ءالد وانا عجوز وهذا بعلی شیخا — فرزند این زن بپیرانه سر آید
قل فمن یملک من الله شیئا — درین دلیل پادشاهی نیست
فتحریر رقبة مؤمنة — این بنده فروخته شود وآزاد گردد
وان لکم فی الانعام لعبرة — این ستور بخر ومبارک است
بواد غیر ذی زرع — این ضیاع اگر بخرد آبش کم شود
الا تخافوا ولا تحزنوا — مترس که عاقبة کار نیک شود
واصبروا وما صبرک الا بالله — اندرین خصومت صبر باید کرد
واذا حییتم بتحیة فحیوا — این دوست ونیکو باشد
وبنینا فوقکم سبعا شدادا — این بنا محکم آید ودیر باند
الحر بالحر والعبد بالعبد — خریدن این بنده بمراد باشد

وواعدنا موسى ثلثین لیلة — این مراد و حاجت بزودی بر آید
وعلمک ما لم تکن تعلم — علم بسیار آموزد و نام گیرد
یوفون بالنذر ویخافون — وفا بجا آورد و خلاف نکند
فانکحوهن باذن اهلهن — این زن بخواه اندیشه مکن
من ازواجکم بنین وحفدة — دلیل فرزند و مال بسیار بود
وآتیناهم ملکا عظیما — دلیل پادشاهی و بزرگی بود
واسکنوهن بمعروف — این بنا نیکو مرتفع شود
ما فی بطون هذه الانعام — این ستوران عیب ندارد
فی سدر مخضود وطلح منضود — این ضیاع نیکو ساخته شود
فمن یعمل مثقال ذرة — عاقبت این کار نیکو باشد
وان تحسنوا وتتقوا — این خصومت انجامد بصلح
واما الجدار فکان — این وام بعضی زود دهد و بعضی دور
فان لم یصبها وابل فطل — این بنا نیکست در بخرید حمل کند
او ما ملکت مفاتحه — این بنده دوست دار بود
ان کنتم مرضی ان تضعوا — این بیمار را پرهیز باید کرد

بقرة

وآتیه الله الملک والحکمة — ولایت پادشاهی و علم بود

من قبل ان یاتی یوم لا بیع فیه — فروختن این بنده بهتر است
والله خلق کل دابة من ماء — خریدن این ستور نیکو است
ویجعل لکم جنات — این ضیاع ساختن مبارک است
یبشرهم ربهم برحمة منه — عاقبت این کار نیکو باشد
فلا تعجل علیهم انما نعد لهم — درین خصومت صبر به از تعجیل
وان کان ذو عسرة فنظرة — این وام دادن و ستدن نیکو است
فاتی الله بنیانهم من القواعد — این بنا اگر بر آید زود منهدم شود
یطاف علیهم بصحاف من ذهب — که این بنده بخر را و نیکو باشد
انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین — این بیمار بدعا و صدقه به شود
ثم قبضناه الینا قبضا یسیرا — دلیل در تنگی و گرانی نرخها کند
قال انک الیوم لدینا مکین امین — این کس را عمل سلطان نیکو بود
لا تخف ولا تحزنی انا رادوه — این زندانی زود خلاص یابد
ووجدک ضالا فهدی — این گم شده زود باز آید
افتح بیننا وبینهم فتحا — همه کار زود بر تو گشاده شود

انبیاء

لا تخف انک انت الاعلی — از عمل سلطان رنج ببیند حذر به
اهتزت وربت — از این زندان زود خلاص یابد
ان یریدا اصلاحا یوفق الله — مژده مر ترا که این گم شده بیاید

نخزيهم ان الله
يوم لا ينفع مال ولا بنون
يوم عسير على الكافرين
فما ربحت تجارتهم
يرزقون فرحين بما
انتما ومن اتبعكما الغالبون
يضاعف له اضعافا
واذا لا يلبثون خلافك
اجرا حسنا ماكثين
ها انتم هاؤلاء تحبونهم
الحمد لله الذى اذهب
حقا عليهم القول

کارها نیک بر تو گشاده گردد
درین وقت دلیل بر درویشی بود
در این ابنای راست باید بود
اگر درین بازرگان راست بود سود بیند
این غایب دور است اما بسلامت است
این سفر کردن بسیار است
این دوستی میان هر دو تن بماند
ازین غم زود فرح خواهی یافت
این خبر درست و تحقیق است
این تهمت بر وی گمان مبر که دروغ است
بر دشمن ظفر یابد و غنیمت بدست آید
امید حاجت برآید

توبه

وان تابت قلوبهم
يمددكم ربكم بخمسة الاف
ان تدعوهم لا يسمعوا
لهم قلوب لا يفقهون بها
وما وجدنا لاكثرهم من عهد

این تهمت بر وی درست باشد
نصرت او را بود ترا حذر به
این امید و حاجت بر نیاید
علم و ادب بیاموز دریغ مبر
درین دنیا او را تمام یابی

هو لباس لكم وانتم
وسبح شهودا ومهدت له
قل اللهم مالك الملك
اعملوا ما شئتم انه
ونللنا طالهم فيها
فيها انهار من ماء غير آسن
فقد استمسك بالعروة الوثقى
فاصلح بينهم فلا اثم عليه
اذا انتم اينتم بديـن
فخسفنا به وبداره الارض

این زن کرده شود و در خود آید
فرزند و مال و توانگری باشد
ایزد تعالی ترا مال و عزت دهد
این بنده بمراد تو فروخته شود
این ستور خرید شود و کشته شود
این ضیاع خریده شود و سبزه شود
عاقبت این کار نیک خواهد بود
اگر ازین خصومت بصلح بازگردد و به بود
این وام بوقت باز ندهند قبالة باید گرفت
ازین بنا حذر کن که خراب گردد

حج

وكم قصمنا من قرية
ونجيناه من الغم وكذلك
وللبسنا عليهم ما يلبسون
ولو فتحنا عليهم بابا
يجعل له مخرجا
بل يداه مبسوطتان
فما تزيدونني غير تخسير

نعمت فراخ و نرخ ارزان گردد
از کار سلطان نیکوی بیند
ازین زود زندان فرج یابد
این گم شده باز بیند بی زحمتی
دلیل بستگی کار بود حذر به
توانگری و مال بسیار بیند
درین ابنای سود بسیار بیند

لابثين فيها احقابا
لو انفقت ما في الارض
درین بازرکانی زیانها ببیند
ومن يخرج من بيته
این غایب حج کند و بخانه باز آید
زدناهم عذابا فوق
درین سفر دیر بماند
ان هذا لهو الحق اليقين
این دوستی از یک تن حقیقت است
وجد وابها واستيقنتها
خلاص دهد خدای ترا بوسیله شخصی
سيهزم الجمع ويولون الدبر
این خبر بحقیق است دروغ نیست
لن تنالوا البر حتى تنفقوا
این تهمت بی کناهست البته
ناکاه فتح و نصرت بدید آید

حجر

وجعلنا لكم فيها معايش
اندرین بازرکانی سود بسیار بیند
وجعلنا اهل المدينة
این غایب دمان بخانه باز آید
فسيحوا في الارض
ازین سفر بمقصود و بمراد باز آید
تحسبهم جميعا
ازین دوستی حذر به
تنزل على كل افاك
ازین سختی زود فرج یابد
ويقولون نؤمن ببعض
این خبر بعض راست است و بعض نه
ويحلفون على الكذب
این تهمت البته راست باشد
لا تناصرون بل هم اليوم
درین حرب یار جوید تا ظفر یابد
قال قد اوتيت سؤلك
بدین امید و حاجت زود برسد

بل طبع الله على قلوبهم
این علم هرچند آموزد فهم نکند
انه كان صادق الوعد
وفا کند با تو خلاف نکند
وانكحوا الايامى منكم
این زن وفادار و مهربان باشد
وجعلنا ذريتهم
بسیار فرزند و بسیار مهربان بود
وهو الذي جعلكم
اگر نیت نیکو باشد پادشاه شود
فاصبر صبرا جميلا
در فروختن این بنده صبر بهتر

رعد

وهو الذي مد الارض
این سفر کرده شود و غنیمت بسیار آید
والقيت عليك محبة مني
این دوستی هر دو را نیک باشد
ولو رحمناهم وكشفنا
ازین غم زود راحت یابد
انه لقول فصل
این خبر درست است اگر در کمانی
فبراه الله مما قالوا
این تهمت بر تو دروغ است چند به
ينصركم عليهم
نصرت و فیروزی ترا باشد
ولكم فيها معايش
ازین امید حاجت شادمانی گردد
وجعلنا على قلوبهم
اندر آموختن علم کاهل باشد
ذلك وعد غير مكذوب
وفای بجای آورد خلاف نکند
ازواج منكم مسلمات
این زنی می باید کرد که مبارک است
يهب لمن يشاء اناثا
ایزد تعالی ترا فرزند نرینه دهد

یا داود انا جعلناک	پادشاهی بزرگی ترا باشد
واسروا الندامة لما	از فروختن این پشیمان شود
جنات تجری من تحتها الانهار	این ستور نیک باشد و مبارک
الم تر ان الله سخر لکم	اندرین ضیاع فایده بسیار بود

عنکبوت

بیتهم من الجنة غرفا	این ضیاع ساخته شود و آب روان
واخر دعویهم ان الحمد لله	عاقبت این کار بغایت نیک خواهد بود
ان یصلحا بینهما صلحا	میان این خصمان بصلح انجامد
فرهان مقبوضة	این وام بی قباله نباید داد
کمثل العنکبوت اتخذت	این بنا ضعیف و نااستوار آید
یطوف علیهم ولدان	این بنده بهتر که بخری و نیکو باشد
فی قلوبهم مرض فزاد	این بیمار اگر پرهیز نکند بدراز کشد
ولنبلونکم بشیء	دلیل تنگی و گرانی اجناس بود
اِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِیْنَ یُحَارِبُونَ	این کار سلطان بسی نکو باشد
لَا تَخَافُ دَرَکًا وَلَا تَخْشَی	این زلزله زود فرج یابد
وَلَا تَیْأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ	این گم شده زود باز دید شود
آتُونِی زُبَرَ الْحَدِیدِ	این کار بگشاید بصبر
فَسَوْفَ یُغْنِیهِمُ اللّٰهُ	توانگری و مال بسیار بیابد

امرکم بما تعملون	درین انبازی فایده بسیار بیند
وتجارة تخشون کسادها	درین بازرگانی سود بسیار بیند

فرقان

ویجعل لکم جنات	این بنا کرده شود و آب روان
وانه لما قام عبد الله	این بنده خریده شود و نیک آید
واذا مرضت فهو یشفین	این بیمار را خدای تعالی شفا دهد
الله یبسط الرزق	درین سال نعمت فراخ شود
واجعل لنا من لدنک ولیا	از عمل سلطان نیکی بیند
سیجعل الله بعد عسر یسرا	این زندانی زود خلاص و راحت یابد
واجعل بینهم وبین	این گم شده تمام بتو رسد
انا فتحنا لک فتحا مبینا	کارهای بسته بر تو گشاده گردد
وجعلت له مالا ممدودا	دلیل توانگری و مال و فرزند بود
یا بنی لا تشرک بالله	ازین انبازی احتراز باید کرد
فلکم رؤس اموالکم	درین بازرگانی سود نخواهد بود
ربنا علیک توکلنا	این غایب بشادی بتو رسد
انفروا فی سبیل الله	این غزو کرده شود و مال یابد
انما یرید الشیطان ان یوقع	این دوستی و دشمنی مبدل شود
ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین	ازین غم و سختی راحت یابد

قصص

فانظر کیف کان	عاقبت این کار بدایت خذر به ۲
من ذا الذی یقرض الله	این وام دادن وستدن نیکیست
واذ یرفع ابراهیم القواعد	این بنا کرده شود و نیک برآید
وهو یعین کامثال	از خریدن این بنده نیکی ببینه
فی قلوبهم مرض	این بیمار را صدقه باید داد
والله واسع علیم	نعمت فراخ و نرخ ارزان شود
ان الله لا یحب کل خوان	درین عمل سلطان منفعت بیابد
فلبث فی السجن بضع سنین	این زندانی از عراموشی کرد کاست
این المفر کلا لا وزر	این کم شده زود بدلت باز آید
اذا جاء نصر الله والفتح	کارهای بسته بر تو گشاده گردد
ایحسبون انما نمدهم	توان گر گردد و مال بسیار بیابد
انی اشهد به اذن ربی	درین انبازی برکتی برکت باید
یرجون تجارة لن تبور	درین بازرگانی سود خواهد بود
فلبثوا بها الا یسیرا	این غایب باز آید یا نامه فرستد

[illegible]

کهف

ان یبلغا اشدهما	کارها بر تو گشاده گردد
قد احسن الله له رزقا	روزی بر تو فراخ شود

ولا تیئسوا من روح الله	این امید بخیر تمام بر آید
وما اوتیتم من العلم	از علم اندکی بیا موزد
کبر مقتا عند الله	بی وفای و بدعهدی کند
وقد افضی بعضکم	این زن کردن نیک بود
قالوا لا توجل انا	بفرزند نرینه و پارسا شاد شود
رب اغفر لی وهب لی ملکا	دلیل ملکت و پادشاهی بود
ویعبدون من دون الله	در فروختن این بنده فایده بود
وتحمل اثقالکم الی بلد	این ستور بدخرام است نباید خرید
کم ترکوا من جنات	این ضیاع بخر که فروخته شود
والآخرة عند ربکم	عاقبت این کار بآخرت حذر به
ان ینصرکم الله فلا غالب	درین خصومت دولت تو قوی

یوسف

قد شغفها حبا انا لنریها	این دوستی مرد و زن باشد
قال ساوی الی جبل	دعا کن تا از غم برهاسی
قالوا هذا قال ربکم	این خبر راست و درست
ان تتبعوا الا الظن	این تهمت دروغ است حذر به
یقاتلون یولوکم الادبار	بیم کشتن و هزیمت است حذر به
والذین یدعون من دون الله	کنون این حاجت بر نمی آید

حذر به

ویعلّمکم الکتاب والحکمة   حکمت علم کو ناکون آموزد
انّهم یقولون ما یفعلون   سینافق است و فا بجا نیاورد
لاهنّ حلّ لهم ولاهم یحلّون   این زن ناکردن اولی است
واذا بشّر احدهم بالانثی   حامله دختر آورد تا دانی
وماکان علیهم من سلطان   درین وقت دلیل پادشاهی نیست
لیس علیک جناح   این بنده را فروختن بهتر باشد
کمثل الحمار یحمل اسفارا   این ستور را بخریدن منفعت باشد
واخرجت الارض اثقالها   این ضیاع البتّه بباید خرید
بل تؤثرون الحیوة الدنیا   عاقبت این کار نیک است

یونس

ویستنبئونک احقّ هو   این خبر البتّه راست است
سبحانک هذا بهتان عظیم   این تهمت بر زوری دروغ است
وما لکم من دون الله من ولیّ   اندرین کار ترا ظفر باشد
لا تقنطوا من رحمة الله   امید با جمله بخوبی روا شود
علّمنا صنعة لبوس   علم و حکمت و پیشه بیاموزد
فهل وجدتم ما وعد ربّکم   و فا بجا آورد و عهد نشکند
ویستغفرون للذین   این زن بگذارد و دیگری طلب کن
بشری هذا غلام   ترا فرزند آید و دولت افزاید

یملکون

یملکون مثقال ذرّة   این وقت شاهی نباید جست
لا یعلمون من عمل   این چیز را البتّه فروختن به
لکم فیها جمال   این ستور خریده شود و نیک آید
ولقد اتوا علی القریة   این ضیاع اصل ندارد نباید خرید
وقدمنا الی ما عملوا من عمل   عاقبت این کار میانه باشد
امّا منّا بعد و امّا فداء   اگر خصومت نکند بهتر باشد
ان رحمة الله قریب   این دام دادن و ستدن نیک است

رسید این نامه با تمام جوان شهریار گرامی
بدست کو(ر)شه نشین پیاده کاری نامی
که دنیا بلا باشد چون [illegible]
که کرد و باغت فاتحه خانی
[illegible]
الحمد لله التمام
۱۲۴[illegible]

کر یادکار بماند ز من در جهان
هر آنکس بخواند بیا به ثواب